



امیر سیدزاده تهیه‌کننده «فرزندکشی»؛ بابک خرم‌دین بهانه بود



همدلی | امیر سیدزاده تهیه‌کننده «فرزندکشی» از ادامه تحقیقات میدانی برای ساخت این مستند خبر داد. سیدامیر سیدزاده تهیه‌کننده سینما درباره به وضعیت فیلم سینمایی «خانه شیشه‌ای» به کارگردانی امیر پورکیان گفت: مرحله پست پروداکشن فیلم به پایان رسیده است و قرار است برای دریافت پروانه نمایش اقدام کنیم.امیدوارم اولین نمایش «خانه‌شیشه‌ای» در جشنواره فیلم فجر باشد. او در پاسخ به این پرسش که ساخت پروژه «فرزندکشی» به تهیه‌کنندگی وی در چه مرحله‌ای قرار دارد، بیان کرد: درحال حاضر در مرحله تحقیقات میدانی برای این مستند هستیم و همان‌طور که پیش از این اعلام شده بود، این اثر به پدیده فرزندکشی در جامعه و دلایل آن از ابتدای انقلاب اسلامی تا امروز می‌پردازد. این تهیه‌کننده سینما ادامه داد: قتل بابک خرم‌دین توسط والدینش در واقع بهانه ای برای ساخت این مستند شده و نمی‌توان مستند را درباره این قتل دانست.قتل بابک خرم‌دین در یک مقطع سنی غیرقابل باور برای جامعه صورت گرفت، وی با ۴۷ سال سن به قتل رسیده و پدر و مادرش به طرز فجیعی او سلاخی کرده و جسدش را در چند نقطه تهران قرار دادند. می‌توان گفت نوع اتفاقی که برای بابک خرم‌دین رخ داد، دلیل و انگیزه ای شد تا به این قضیه ورود پیدا کنیم. او توضیح داد: بعد از دریافت پروانه ساخت به این نتیجه رسیدیم که این مستند یک کار بسیار بزرگ است و با کارگردان پروژه به این تعامل رسیدیم که تحقیقات گسترده میدانی انجام دهیم تا یک مستند کامل در این رابطه ساخته شود و دلایل و عوامل متعددی از جمله مسائل اقتصادی، عاطفی، آموزشی، خانوادگی و روانشناسی را که در کشتن فرزند از یک تا ۴۷ سالگی دخیل هستند، بررسی کند.همچنین سیامک میثاقی کارگردان این مستند بیان کرد: تحقیقات میدانی در حال انجام است و خانواده‌های درگیر این اتفاقات مورد بررسی قرار می‌گیرند اما این مساله به این معنا نیست که مستقیم با خانواده‌ها گفتگو می‌کنیم، روایت اصلی مستند درباره این استد که چرا این اتفاق رخ می‌دهد، به همین منظور چنین قتل‌هایی را از منظر روانشناسی، جنسیت‌والدهای قاتل و مسائل بومی مورد بررسی قرار می‌دهیم. او ادامه داد: آنچه که مشخص است این است که سالیانه به صورت میانگین بین ۲۰ تا ۳۰ مورد فرزندکشی با قصه قبلی در کشور رخ می‌دهد البته این مساله را باید مورد توجه قرار داد که برخی از قتل‌ها یا زمینه چینی قبلی نبوده و به صورت تصادفی صورت گرفته است.نکته عجیب این است که از زمان قتل بابک خرم‌دین تا امروز نزدیک به ۱۶ فرزندکشی در کشور رخ داده است. میثاقی در پایان گفت: فرزندکشی در ایران ارتباط نزدیکی با جغرافیا و فرهنگ دارد. تاکید می‌کنم که با توجه به اینکه فرزندکشی در جامعه‌امروزی دارای ریشه خاصی است نیاز به ساخت چنین مستندی احساس می‌شود.



در ستایش سینما

دیوید فینچر سریال مستند می‌سازد

همدلی | غافل‌گیرانه اعلام ششد کارگردان سرشناس سینما مجموعه فیلم‌های مستندی درباره سینما برای نتفلیکس می‌سازد. به نقل از ویرایتی، دیوید فینچر با نتفلیکس در «یدن» که سریال مستند جدیدی در گرامیداست مستند است، همکاری می‌کند. نتفلیکس سه‌شنبه با تویییتی در میان طرفداران سینما سر و صدا به پا کرد و آن تویییت چنین بود: «فردا خبر خاصی از دیوید فینچر در راه است.» در هر حال این چیز خاص خبری درباره ادامه تهیه «منک» نبود بلکه دیروز خبر داده شد که فینچر تهیه‌کننده اجرایی «یدن» با دیوید پروبر کارگردان «مرد خالی» است. درو مک‌کونینی نویسنده که در این پروژه همکاری دارد نوشتست که این مجموعه به منزله یادداشت‌های ۱۰ تا ۳۰ دقیقه‌ای درباره چیزی است که ما را مجذوب یا ناراحت می‌کند و به ارتباط ما با فیلم‌ها مربوط است. «یدن» ۱۳ نوامبر در جشن موسسه فیلم آمریکا در لس آنجلس نمایش داده می‌شود و بعد در تاریخ نامعلومی در نتفلیکس در دسترس قرار می‌گیرد. فینچر فیلمساز تحصیل شده فیلم‌هایی چون «باشگاه مشت‌زنی»، «زودیاک»، «شیکه اجتماعی» و برخی موزیک ویدیوهای مشهور است. وی به تازگی قرارداد همکاری ۴ ساله با نتفلیکس را امضا کرده و قبلا با این شبکه در «خانه پوشاری» و «شکارچی ذهن» همکاری کرده بود. پیشتر اعلام شده که فینچر کارگردانی فیلم «قاتل» را برای نتفلیکس انجام می‌دهد که درامی با بازی مایکل فاسبندر است. برخی از کارگردان‌های برجسته از نتفلیکس و روش‌های غیرمتعارف آن برای پخش فیلم‌ها انتقاد می‌کنند اما فینچر می‌گوید از آن‌د عملی که در کار با این مجموعه دارد قراردانی می‌کند. فینچر چندی پیش درباره همکاری با نتفلیکس برای ساخت «منک» گفته بود هرگز به اندازه کار با نتفلیکس در این فیلم خوشحال نبوده چون می‌داند فیلمش جایی برای حضور دارد و مجبور نیستی آنها را در تابستان طولانی با زمستان مصیبت زده اکران کنی.

فرهنگ و هنر

از کتاب جدید و نقد شیوه‌های آموزشی نی‌نواری تا توصیه صریح به علاقمندان موسیقی در گفت‌وگو با آراس رجبی

هیچ وقت سمت موسیقی نیابید!

در بازار چیست؟

همدلی | **علی نامجو**: نامی آشنا در موسیقی ایرانی است. بیش از سه دهه در عرصه نوازندگی، آهنگسازی، آواز، تدریس و تألیف کوشیده و آثار ماندگاری به یادگار گذاشته، اما بعد از ۳۱ سال، بی‌برده از راه رفته اظهار ششیمانی نمی‌کند. او توصیه صریحی به جوانان و علاقمندان به موسیقی هم دارد: هیچ‌وقت سمت موسیقی نیابید! آراس رجبی به تازگی کتابی برای آموزش نی به چاپ رسانده که اثری ارزشمند و البته متمایز به شمار می‌آید، چرا که شیوه‌ای متفاوت نسبت به دیگر آثار مکتوب موجود در پیش گرفته و کوشیده هنرجو را بعد از مطالعه کتاب به «نوازنده» تبدیل کند، نه صرفاً علاقه‌مندی با فرآگیری یک یا چند ملودی. این نوازنده و آهنگساز شهیر در حال حاضر علاوه بر فعالیت در عرصه موسیقی، برای گذران زندگی به تعمیر، بازسازی و کوک ساز پیانو مشغول است و البته آینده‌ار روشن نمی‌بیند.
ماحصل گفت‌وگو با آراس رجبی را در ادامه می‌خوانید:

◀ **درباره کتاب جدیدتان صحبت کنید. چه شیوه‌ای با چه مشخصات و مختصاتی را برای هنرجویان در نظر گرفتید؟**
کتاب «آموزش برای نی»، سه قسمت دارد؛ مقدماتی، متوسط و پیشرفته. فعلاً به دلیل حجم بالای محتوا، قسمت‌های مقدماتی و متوسط را منتشر کرده‌ام. قسمت پیشرفته، ردیف‌نوازی برای نی است. ایده نگارش کتاب، زمانی در ذهن من پدید آمد که مدت‌ها بود ساز نی را تدریس می‌کردم. کتاب‌های موجود شیب تندی برای هنرجو داشت، نی، ساز سختی است، اما کتابی با شیب ملایم و پیشروی آرام نمی‌دیدم، به همین دلیل مدت‌ها پیشرفته، ردیف‌نوازی برای نی است. ایده نگارش کتاب، زمانی در ذهن من پدید آمد که مدت‌ها بود ساز نی را تدریس می‌کردم. کتاب‌های موجود شیب تندی برای هنرجو داشت، نی، ساز سختی است، اما کتابی با شیب ملایم و پیشروی آرام نمی‌دیدم، به همین دلیل مدت‌ها پیشرفته، ردیف‌نوازی برای نی است. ایده نگارش کتاب، زمانی در ذهن من پدید آمد که مدت‌ها بود ساز نی را

◀ **درباره اوضاع و احوال کتاب‌های مشابه در نی‌نواری توضیح دهید. علاقمندان به این ساز تا چه حد می‌توانند با تهیه این کتاب‌ها و سی‌دی‌ها، نوازندگی را فرا بگیرند؟**

متأسفانه کتاب‌هایی که برای ساز نی وجود دارد، خیلی کم است یا بهتر است بگویم اصلاً وجود ندارد. ۸۵ میلیون نفر جمعیت ایران است. فرض بگیریم یک میلیون نفر علاقه‌مند به موسیقی سنتی هستند، اما شاید فقط پنج نفر هنرجو ساز نی در کل ایران باشند. به دلیل نقر ندریس و کتاب‌هایی که هست، از آن پنج نفر قطعاً یک نفر هم باقی نمی‌ماند. کتاب‌های موجود بسیار شیب تندی دارند و اصلاً هنرجو را در نظر نمی‌گیرند. انگار رقابتی بوده تا نویسنده فقط بگوید: «من موسیقی می‌بندم و خیلی حرف‌های حاضر حوصله آن چنانی کنار بلبییم. هنرجو‌های حال حاضر حوصله آن چنانی ندارند. اگر ۴۰، ۵۰، ۶۰ سال پیش فردی می‌خواست ساز نی را فرا بگیرد، روزی ۵ تا ۶ ساعت وقت داشت، اما اکنون بدین شکل نیست. حالا هنرجو می‌تواند روزی ۲۰ دقیقه وقت بگذارد، پس ما مجبوریم سیاست‌ها را عوض کرده و کار دیگری کنیم. باید اتو‌دهای مختلفی برای این ساز بنویسیم.واقعاً به نی ظلم شده است. اگر نگاه کنید، می‌بینید که ساز نی، دیگر وجود ندارد. خیلی خاص شده و متأسفانه دیگر این ساز نیست. هنرجویی که می‌خواهد کار کند با کتاب‌هایی مواجه می‌شود که شیب تندی دارند، به همین دلیل بعد از چند جلسه توقف می‌کند و به سراغ ساز دیگری می‌رود. من این ضعف را در کتاب‌های می‌بینم. باید به قدری اتود برای این ساز نوشته شود که هنر جو بتواند حق انتخاب داشته باشد، نه این که فقط دو، سه کتاب داشته باشیم و هنرجو حتماً همان‌ها را بزند و اگر نخواهد چنین کند، دیگر کتابی نباشد.معمولاً در کتاب‌های نی که من از آنها سررشته دارم، شیوه تغییر نی نمی‌کند. هر کتابی بخردید، شما تا جایی می‌برد که بتوانید «آلهه‌ناز» یا دو قطعه دشتی

یسا دو قطعه پاپ بزنید. من این نکت را در کتابم لحاظ نکردم.ام سعی کردم فردی که کتاب به دستش می‌رسد حتی بدون استاد، آنچه می‌خواهد را از کتاب دریابورد. تلاش کردم کتاب یک نوازنده تحویل بدهم. که هنرجو باید تبدیل به یک نوازنده شود. این که دو بار فوت کند و دو اهنگ اهنگ عشقم آمد یا نیامد بزنده، فایده ندارد. خیلی‌ها می‌گویند: «ه، ما فقط آلهه ناز را می‌خواهیم»، می‌گویم: فرقی ندارد. در هر صورت شما باید زمانی را طی کنید تا بتوانید به همان ملودی برسید که دوست دارید. زمانی که به آن می‌رسید عشق بیشتر می‌شود و دیگر خودتان نمی‌توانید کوتاه بیایید، چون مراسمی در موسیقی به وجود می‌آید که اصلاً نمی‌خواهید ترکش کنید و به این کار اعتیاد پیدا می‌کنید.

◀ **به نظر شما یک نوازنده برای دستیابی به جایگاهی مناسب، بهتر است فقط به سراغ استاد برود یا کتاب تهیه کند یا تلفیقی از هر دو را پی بگیرد؟**

قطعاً تلفیق هر دو بهتر است. متأسفانه یکی از دلایلی که ساز نی در حال کپ‌رنگ شدن و نابودی در کشور ماست، این است که خیلی از استادان اعتقاد دارندنی را فقط باید «گوشی» و ردیف بزنید و مثل آواز خواندن، فقط باید گوش خود را قوی کنید. هنرجو بعد از مدتی (این مدت ۱۵ تا ۲۰ سال طول می‌کشد تا گوش فرد قوی شود و بتواند کاری با ساز نی انجام دهد) وارد جامعه‌ای می‌شود که می‌بیند همه آکادمیک کار می‌کنند و او نمی‌تواند کاری انجام دهد. هنرجو فقط می‌تواند تکنوازی یا در نهایت دنوازی با ساز ضربی کند؛ آن هم قطعاً که تقلید کرده و یاد گرفته و هیچ اثری هم نیست تا بتواند ارائه دهد. من اعتقاد بر این است که حتماً باید تلفیق آکادمیک و «گوشی» باشد. من درباره موسیقی ایران صحبت می‌کنم. شاید برای موسیقی غرب بگویم هیچ نیازی به گوش نداریم، چون صنعت است. نت را جلوی شما می‌گذارند، می‌نوازید و تمام می‌شود. اما موسیقی شرق، حس و حالی است. ما هم به گوش نیاز داریم تا بشنویم و بدانه بنوازیم، مقام و ردیف بزنیم و هم آکادمیک فعالیت کنیم و بتوانیم نت بخوانیم. ما در گروه‌نوازی‌ها با سازهای مختلف همراهی کنیم. لازمه این کار، فراگیری آکادمیک است. دیگر مثل قدیمی نیست که گروهی جمع شوند و برای اجرای سال آینده، هر روز تمرین کرده و روزی ۶ ساعت با گوش، کار کنند. دیگر چنین نیست. اکنون به شکلی پیش می‌رویم که هر دو لازم است. مخصوصاً برای سازهای ایرانی و نوازنده ایرانی.

همان‌طور که گفتیم تمامی کتاب‌های نی‌نواری موجود در ایران از نت «دو» شروع می‌کنند. نت «دو» جایی است که تمام کلدیها یا سوارخان ساز نی بسته شده و هنرجویان فوت می‌کنند. چند ۱۰ بار، چند روز و گاهی یک هفته چنین کار کنی از انجام می‌دهند و بعد این ساز کنار می‌گذارند، در صورتی که ما باید با نت «لا» شروع کنیم. «بعد از سه روز تا یک هفته جواب می‌دهد و وقتی صدای بخته‌ای داد، ما می‌توانیم صدای «سل» را اضافه کنیم. بعد هم «فا»، «می»، «رو»، اضافه می‌شود. هر چند «دو» سخت است، اما بالاخره صدایش درمی‌آید. برای این‌که «دو» در ذوق هنرجو نزند، ما حدود صد ملودی با تکنیک‌های خاص نوشته‌ایم، به گونه‌ای که این صد ملودی، هیچ‌کدام به «دو» نخورد و کاری به کار این نت نداشته باشد، تا انگشتت «دو» قوی شود. در ادامه به سراغ قطعات سخت می‌رویم. به طور مثال در قطعه ۲۰ پارت است و هنرجو در پارت‌های ۱۸ و ۱۹ مشکل دارد. قبل از این که درس شروع شود، پارت ۱۸ و ۱۹ را با تکنیک‌هایش خط کشیده‌ام. ملودی سختی که شاید ۲۰ دقیقه‌اش، ۴ قسمت خیلی سخت دارد. من



در معرفی مجموعه داستان «کورسرخ» نوشته عالیه عطایی

مکتی بر زخم‌های درون

زیبایی داستا چهارصد هزار تومان پول کاغذی! جنگ در گرفت. بچه‌ها بر سر نم کشیدند! تعاشمی کرد! (کاش می‌توانستم شرح دهم. لحظه‌لحظه‌ی خود را هنگام فرار کاغذها و فرار موش‌ها) میان این همه ناباور خیل‌پرست چگونه می‌توان شرح داد در اشتیاق سینه‌ی شرحه‌شرحه از فراق خود؟! ای قیامت! ای حالت! را بپول! رشپو! کردم. باری. منتهوی هفتاد من کاغذ گشت عرض و غرض این یادداشت‌ها غرض امد هنر پوشیده شد!



از آن‌که عالیه عطایی کفایت نافرمانی ابوی علف می‌داد بهتر بود. داستان و قصه در زمان ارسال‌هاست. دیگر نمی‌خواهم. شاید از سر نومی‌توهم. استغنا. یابین که این زائر (جزر قصه) «دروغ‌گویی توام با فرزانگی» است! سال‌هاست ترجمیم راست‌گویی توام با فرزانگی. ست. القصد. در بین داستان‌ها، زمان‌ها و قصص ایرانی کم و بیش از نویسنندگان مختلف از جملان‌اده و چوپک و هدایت و بهرنگی و گلشنیری تا آن آثار اقتضایی و موسمی و به اصطلاح پایپولاز چون به‌اماد گلشنر و سخن‌هایی با خدا این نوع نوشته‌ها ندرکی خوانده‌ام. در بین متاخرین، آثار مصطفی مستور را دوست دارم. ژرف و جدی‌اند. درس زندگی‌اند. باز هم اطالاه کلام و ازالهی زمان ششدا. معنومر بارلاریا بپوهده سخن بدین درازی نبود. این همه را که گفته‌ام خدا نموده خلق! بخوانده و نشنیده بگیریدی و جدی نگیردی. ما هدفمند بند پایتی ست و لایغر. هدف همیشه



◀ **چه برنامه‌هایی برای آینده دارید؟**

چه برنامه‌ای می‌توان برای آینده داشت؟ شاید اگر ۱۰ سال پیش این سؤال را جواب می‌دادم، برنامه‌های زیادی داشتم، اما در حال حاضر هیچ برنامه‌ای ندارم. چون هیچ چیزی مشخص نیست و فقط تئری در تاریکی می‌اناریم، اما دلخوشی‌ها را می‌توانم بگویم. دلخوشی این است که کتاب ردیف‌نوازی من چاپ شود، کتاب ریتم‌خوانی و «کجا؟» نه؛ باید بنشینند و بزند: «دو، ر، می، فا، سل، لا، می‌گویم: فرقی ندارد. در هر صورت شما باید زمانی را طی کنید تا بتوانید به همان ملودی برسید که دوست دارید. زمانی که به آن می‌رسید عشق بیشتر می‌شود و دیگر خودتان نمی‌توانید کوتاه بیایید، چون مراسمی در موسیقی به وجود می‌آید که اصلاً نمی‌خواهید ترکش کنید و به این کار اعتیاد پیدا می‌کنید.»

◀ **ظاهراً شما آهنگسازی فیلمی را هم بر عهده داشتید که «کمپ لاس» بر گرفته شد. درباره این فیلم نیز صحبت کنید.**
بله، فیلم «یک قطره خون از نازنین» به کارگردانی دوست عزیزم، کاووس آقایی در جشنواره «کمپ لاس» نامزد شده، بیننده‌های خیلی خاصی داشته و موفق بوده است. البته چندی پیش این فیلم در جشنواره لس‌آنجلس هم به نمایش درآمده و برای عموم جذابیت زیادی داشته است. همسر من نیز نوازندگی پیانو ی این فیلم را بر عهده داشته و حس و حال نوازندگی او در فیلم بسیار تأثیر گذار بوده‌است.

◀ **در زمینه آهنگسازی، نگارش کتاب، نوازندگی و حتی کوک ساز پیانو چه فعالیت‌هایی دارید؟**

کتاب دیگری برای ریتم‌خوانی و وزن‌خوانی در دست تهیه دارم. با نشتر «موسیقی» صحبت کرده‌ام و قرار است تا چند ماه آینده به چاپ برسد. تعمیرات پیانو را هم مستمر انجام می‌دهم، چون به دلیل شرایط کرونا، هیچ اجرائی وجود ندارد و حتی از آموزشگاه‌ها هم بیست مجبوریم به شکلی زندگی را بگذرانیم تا بتوانیم فقط نفس کشیم، نه این که رشد کنیم یا اتفاق دیگری رخ دهد. همسر من نیز کار موسیقی را انجام می‌دهد و پیانو تدریس می‌کند.

«برای سنگ پنهانی ست در هر موقاتی»

تو خودت حدیث مفصل بخوان از این اشارت.

کاش جهان خنجر بی حجر «می‌حسی اخلاقی» ماکروسرخ‌ی روایت‌هایی از در دوره‌هایش. نه برای آنکه عالیه عطایی دلش زخم‌پوشنه‌هایش؛ که تازه شوند و تکرار برای سرسختی، انسانیت، سحر کلام و جان‌سختش؛ و برای نبوغ و شگفت‌وازه‌هایش! اگر قاتلش را درید هم بیمان سنگ شویدا! وقتش را نمی‌گیرد. تنها ۹ قصه است در ۱۳۰ صفحه. اما به حتم تکنله‌ای ست برای روح ما؛ و خنجر بی حجر «می‌حسی اخلاقی» ماکروسرخ‌ی روایت‌هایی از جان و جنگ است. جان و جنگ و ازگانی کوتاه‌ها به قدر کافی گویا هستند. بی‌نیاز از طرح و شرح‌ششر چشمه آن را در زمستان ۹۹ چاپ کرده است. با تیراز ۱۰۰۰ نسخه چاپ‌های صحیح‌ست‌هی این اثر درخشان، تا به امروز نوری بر تاریکی افکنده‌ست. درخششی طلایی در روزگار ظلمت‌عطایی در جایی گفته‌است: «مصاحبه‌ای گفته بودم «من نویسنده‌ام، نه سرباز»! اما در تمام مدت نوشتن این روایت‌ها سرباز شکست‌خورده‌ای بودم که دلش برای اینکه نتوانسته خاکی را تسکین دهد و جز کلمه چیزی برای گفتن ندارد، تپیده!» در کورسرخ از نهایت تاریکی سخن گفته است و تا نهایت شب با این شب سیه‌آنا سپید است. حتی اندکی تردید نکنیم.